فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی (دوره جدید)

شماره ۳۴،
دوره اول،
سال چهارم،
پاییز ۱۴۰۰،
صص ۱-۱۲

ژئوپلیتیک خلیج فارس و نقش آن در امنیت جمهوری اسلامی ایران

حسن باویر[۱]، صلاح آزوغ[۲]

چکیده

خلیج فارس به عنوان منطقه ای راهبردی و استراتژیک نقش مهمی در امنیت جمهوری اسلامی ایران دارد. از دیدگاه ژئوپلیتیک، منطقه خلیج فارس از جمله مناطقی است که به دلیل وابستگی جهان به ذخائر و ثروت‌های آن و برخوردارزی از نقش استراتژیک در تحولات جهانی دارای اهمیت زیادی بوده است به گونه‌ای که این منطقه به مرکز کشمکش‌های قدرت‌های جهانی تبدیل شده است. اگرچه کشورهای حوزه خلیج فارس بر روی یک فلات قاره واقع شده‌اند و از جنبه‌های متعددی دارای اشتراک هستند اما هرگز نتوانسته‌اند از یک الگوی اعتمادساز و با ثباتی برخوردار شوند؛ لذا همواره نوعی رقابت و لجاجت در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس بر روابط کشورها سایه گسترده است، لذا در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به دنبال یافتن پاسخی منطقی به این سوال هستیم که ژئوپلیتیک خلیج فارس و منابع عظیم انرژی و وابستگی جهان به این منابع از یک سوء و تسلط ایران به ساحل شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز تاثیر زیادی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران دارد.

کلیدواژه: خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران، ژئوپلیتیک، امنیت

[۱] دکترای جغرافیای سیاسی (نویسنده مسئول)

[۲] کارشناسی ارشد تاریخ اسلام

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۱. مقدمه

موقعیت حساس و استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه و وجود بحران و عدم ثبات سیاسی در کشورهای مجاور و نیز وجود چالش های سیاسی با همسایگان باعث ایجاد نوعی تهدید برای جمهوری اسلامی ایران می شود. لذا موقعیت ممتاز خلیج فارس برا ی کشورهای پیرامون آن بویژه ایران همراه با تهدیدها و فرصت هایی بوده است. ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی قلب خاورمیانه است.یشینه ی فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن و همچنین قابلیت های اقتصادی و عملی ایران موجب تاثیرگذاری بالقوه در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است (سارمانلو، ۱۳۹٤ ، ص ۲۱-۲۸). تردیدی نیست که حوزه ی خلیج فارس به لحاظ دارا بودن ارزش های ویژه ی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی ، همواره به عنوان کانون رقابت قدرت های بزرگ در صحنه ی بین الملل مطرح خواهد بود و هرگاه تنش یا تعارضی در منطقه شکل بگیرد که منجر به ایجاد بحران و نا امنی شود ، با عکس العمل جدی کشورهایی که منافع اقتصادی و سیاسی آنها با خطر روبرو هست قرار می گیرد.

زنجیره جزایر قوسی دفاعی ایران شامل جزایر هرمز ف لارک ، قشم ، هنگام ، تنب بزرگ و کوچک و بوموسی به عنوان برگ برنده از لحاظ راهبردی و سوق الجیشی است که به ایران در خلیج فارس نقش برتر و بالاتری می بخشد . موجب برتری ایران در خلیج فارس از لحاظ امنیتی و نظامی می شود و این موقعیت می تواند برای جمهوری اسلامی ایران بازدارندگی به همراه بیاورد ، به اعتراف مقامات غربی و آمریکایی ف ایران در خلیج فارس به عنوان یکی از بازیگران قدرتمند منطقه ای توانسته است قدرت منطقه ای خود را با نفوذ در مناطق پیرامون خود یعنی دریای عمان ، اقیانوس هند ، دریای عرب و تنگه باب المندب افزایش دهد بر این اساس پژوهش حاضر با روش توصیفی – تحلیلی و با گردآوری منابع کتابخانه ای و اینترنتی به دنبال یافتن پاسخی مناسب به این سوال هستیم که جایگاه ژئوپلیتیکی خلیج فارس چه نقشی در امنیت جمهوری اسلامی ایران دارد.

۲. بیان مسئله

منطقه خلیج فارس یکی از مهمترین مناطق استراتژیک جهان است که نقش مهمی در معاملات جهانی ایفا می کند . از زمان ورود اروپائیان به این منطقه چالش های فراوانی در آن رخ داده است و اوضاع سیاسی و اقتصادی آن دستخوش تحولات فراوانی شده است ، از سویی تا زمانی که منطقه خلیج فارس دارای منابع انرژی می باشد رقابت ژئواکونومیک و ژئواسترتژیک قدرت های عمده جهان در خلیج فارس ادامه خواهد داشت و مشکلاتی را برای کشورهای منطقه ایجاد می کند.

در خلیج فارس امنیت و مشروعیت حوزه ی قدرت به قدری به دنیای بیرون از مرزها وابسته است که هر روز جابجایی قدرت و تغییر ماهیت و جهات گیری ها ، تابع منافع بین الملل است . عامل بیرونی با استفاده از ضعف داخلی ، نقاط اختلاف را تشدید می کند و سیاست در خاورمیانه را هم سو با منافع بین الملل و نه منافع مردم کشورهای منطقه شکل می دهد ، لذا ناهمگونی ساختارهای سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس به همان اندازه که بر سیاست خارجی و بر همکاری های منطقه ای آنها تاثیر می گذارد ، به همان میزان نیز بر امنیت خلیج فارس تاثیرگذار است.(رنجبر ، ۱۳۷۸ ، ص ۱۷۵) بر این اساس در پژوهش های حاضر به دنبال حل این مساله هستیم که جمهوری اسلامی ایران چه نقشی در امنیت خلیج فارس دارد یا نقش هژمونیک جمهوری اسلامی ایران از ژئوپلیتیک خلیج فارس به چه شکلی است.

۳. چارچوب نظری

۱-۳- تعریف مفاهیم:

۱-۱-۳- ژئوپلیتیک :

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

هر کدام از نظریه پردازان حوزه ی جغرافیای سیاسی تعریفی از واژه ی ژئوپلیتیک ارائه داده اند ، مفهوم ژئوپلیتیک بیانگر حیطه ی از بررسی جغرافیا است که عامل فضا را در شناخت چگونگی شکل گیری روابط بین الملل تلقی می کند. هرچند رسیدن به تعریفی واحد از ژئوپلیتیک تا حدودی امری غیر ممکن است اما گاهی تعریف های متعددی که اساتید و صاحب نظران این عرصه در ایران ارائه نموده اند از طرفی موجب هم افزایی و تکامل نظرات جامعه علمی خواهد شد و از طرفی زمینه تقویت و ترویج هرچه بیشتر ادبیات ژئوپلیتیکی را فراهم می نماید.

عزتی ژئوپلیتیک را اینگونه تعریف می کند : ژئوپلیتیک عبارت است از درک واقعیت های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت ، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد، به عبارت دیگر ، ژئوپلیتیک عبارت است از علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تاثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل(عزتی ،۱۳۹۲ص: ۷).

حافظ نیا نیز چنین بیان می کند که تعریف علمی ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا ، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی می باشد . ترکیب سه عنصر جغرافیا ، قدرت و سیاست الگوهای رفتاری گروه های متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می کند که می توان آنها را در اشکال رفتاری مختلفی شامل موارد زیر ملاحظه کرد :

نوسانات قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، زیرسلطه، ائتلاف، صلح، همکاری، جنگ، امنیت، آرامش و ثبات، تجارت و مبادله و غیر آن؛ بنابراین می‌توان گفت که ژئوپلیتیک عبارت است از: " علم مطالعه روابط متقلبل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر" (حافظ نیا، ۱۳۹۰ ص: ۳۷).

۲-۱-۳- امنیت

در اغلب فرهنگ لغت‌ها امنیت عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن، رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و داشتن اعتماد و اطمینان موجه. نگاه مدرن به امنیت نگاهی چند سویه است. بسیاری از نویسندگان و محققان وقتی از امنیت گفتگو می‌کنند منظورشان توانایی یک کشور در حفظ ارزش‌های خود در برابر تهدیدات خارجی است . بنابراین امنیت یک پدیده ی دو وجهی است که از یک سو به معنی ایمنی در مقابل حمله ، استواری و نفوذ ناپذیری و عدم شکست و تسلیم است و از سویی دیگر به معنای عدم اضطراب از تشویش و خطر اشاره دارد.

امنیت دارای دو بعد داخی و خارجی است که با یکدیگر مرتبط هستند.در بعد داخلی تهدیدهای آشکار و پنهان در درون مرزها ناامنی به وجود می آورد از قبیل تهدیدات سیاسی (شورش، جدایی طلبی، انقلاب و ...) ، بحران های اقتصادی ، نظامی (جنگ داخلی و ...) و آشوب های اجتماعی که هر کدام از مردم را تحت فشار قرار می دهند. در بعد خارجی نیز امنیت می تواند از ناحیه ی مسائل سیاسی ، نظامی و اقتصادی (تحریم‌های اقتصادی، تعرفه‌ها و ...) تهدید شود.

۳-۱-۳- خلیج فارس

خلیج فارس با وسعت ۲۳۲۸۵۰ کیلومتر مربع در جنوب ایران و شبه جزیره عربستان واقع شده و با دریای عمان از طریق تنگه هرمز مرتبط می‌شود. نام تاریخی این خلیج در زبان‌های گوناگون، ترجمه عبارت «خلیج فارس» یا «دریای پارس» بوده است. خلیج فارس از شرق از طریق تنگه هرمز و دریای عمان، اقیانوس هند و دریای عرب راه دارد و از غرب به دلتای رودخلنه اروندرود که حاصل پیوند دو رودخانه دجله و فرات و پیوستن رود کارون به آن است، ختم می‌شود. کشورهای ایران، عمان، عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر و بحرین در کناره خلیج فارس هستند، که در این میان، سواحل شمالی خلیج فارس تماماً در جغرافیای سیاسی ایران قرار دارند. (ویکی واژه – واژه‌نامه آزاد)

حداکثر ژرفای خلیج فارس ۱۸۲ متر در رأس المسندم و حداقل ۳۰ متر در دهانه اروندرود است. در کف خلیج فارس برآمدگی‌های سنگی و مرجانی وجود دارد که محل صید مروارید است. در فلات قاره و در اعماق آب‌های خلیج فارس،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مخازن و میدان‌های وسیع نفتی قرار دارد که بر اثر استخراج نفت در پیرامون آن، از اهمیت بازرگانی خاصی برخوردار شده است. همچنین از آنجا که بر سر راه خطوط دریایی خاورمیانه واقع شده، از نظر استراتژیک اهمیت ویژه‌ای دارد و به همین دلیل، منطقه‌ای مهم و راهبردی به شمار می‌آید، و از دوران گذشته تا به امروز همواره مورد توجه دولت‌ها و ملت‌ها بوده و بسیاری از سلاطین و پادشاهان از زمان‌های کهن به موقعیت ویژه آن نظر داشته‌اند. از طرفی در طول تاریخ، استعمارگران سودجو دیده می‌شوند که برای به دست آوردن موقعیت بالای خلیج فارس همواره در تلاش و کشمکش بوده‌اند.

پس از انقلاب اسلامی در ایران، دسیسه‌های آمریکا و غرب باعث نزاع در این منطقه شد که در شکل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و فشارهای سیاسی و نظامی آمریکا و متحدانش آشکار گردید. امروزه نیز آمریکا و انگلیس با تحریک کشورهای حاشیه خلیج فارس، بخصوص کشورهای کوچک و وابسته‌ی امارات متحده عربی، در صدد ایجاد ناامنی در منطقه بوده و با ترفندهایی مانند واژه جعلی «خلیج عربی» سعی در راه‌اندازی جنگ روانی و به دنبال آن، فشارهای سیاسی علیه ایران دارند.

۳-۲- بیان نظری پژوهش

اصولاً مکانیزم روابط جغرافیا و سیاست، شرایطی را به وجود می‌آورد که مدیریت سیاسی فضاهای جغرافیایی را در درون کشور تسهیل نموده و وزن ژئوپلیتیکی همان فضای جغرافیایی – سیاسی را در سطح منطقه یا جهان را تبیین می‌کند. از این رو، عدم درک موقعیت جغرافیایی یک مکان و فضای جغرافیایی و مسائل آن، از جمله نقاط ضعف و نقاط قوت، هزینه‌های سنگینی در بر خواهد داشت و سبب تحمیل ناامنی، فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، بی‌عدالتی اجتماعی و غیره بر منافع ملی خواهد شد که تأثیرات آن در قدرت ملی کشور و موقعیت کشور در ساختار نظام جهانی که از دید جغرافیدانان سیاسی و ژئوپلیتیسین‌ها بسیار حائز اهمیت است، آشکار می‌گردد. (رشنو و هاشمی، ۱۳۹۵، ص ٦٧)

۳-۲-۱- اهمیت موقعیت جغرافیایی از نظر نظریه‌پردازان

به عقیده کایل هوس هوفر، ژئوپلیتیک تحقیق رابطه‌ی بین جغرافیا و سیاست است و باید نشان دهد که چطور موقعیت جغرافیایی سیاست را تعیین می‌کند. استدلال بنیادین او این بود که جغرافیای سیاسی به شرایط فضایی کشور و ژئوپلیتیک به نیازهای فضایی می‌پردازد. پس پیشوند ژئوسیاست را به زمین نسبت می‌دهد. (مولایی، ۱۳۸۲، ص ۵۱). رودلف کلین تأثیر موقعیت را بر انسان از لحاظ فیزیکی، روانی، مردم‌شناسی، سیاسی و اجتماعی بررسی کرده است. برای او ژئوپلیتیک دقیقاً همچون اکوپلیتیک (ساختار اقتصادی حکومت) و دموپلیتیک (ساختار جمعیتی حکومت) یکی از راه‌های پژوهشی بود که منافعش را به کرات یادآوری می‌کرد. (لاگوست و ژیبلن، ۱۳۷۸، ص ٤٩) کتاب «قدرت‌های بزرگ» رودلف کلین بعدها به صورت انجیل ژئوپلیتیسین‌های آلمانی درآمد (قوام، ۱۳۸٦، صص ۹۱-۹۰).

نیکولاس اسپایکن تفسیرش از اهمیت ارتباط موقعیت هارتلند با ارتباط حلقه محاصره اطراف آن، اندکی با اظهارات مکیندر متفاوت است. مکیندر این محدوده را هلال داخلی و خارجی می‌خواند، اما در بیان اسپایکن، سرزمین حاشیه یا ریملند خوانده می‌شود که در محاصره‌ی آب‌ها است (BLacksell , 2006 , p140). دلیل اهمیت دادن اسپایکن به ریملند از نظر وی، این بود که این منطقه امکان ترکیب قدرت بری و بحری را بهتر فراهم می‌سازد و نیز بیشترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباطات در این بخش از جهان وجود دارد. از نظر سوئل بی‌کوهن مناطقی که دارای موقعیت بری و بحری هستند و نقش رابط را بین قدرت‌های بری و بحری ایفا می‌کنند، کمربندهای شکننده معرفی می‌کند و معتقد است کشورهای دارای موقعیت جغرافیایی این‌چنین در جریان رقابت بین دو قدرت دریایی و هارتلند قرار می‌گیرند و خرد می‌شوند (اطاعت، ۱۳۷٦، ص ۳۳).

جهان‌بینی ژئوپلیتیک برژینسکی از لحاظ موقعیت جغرافیایی بر نبرد بین موقعیت بری و بحری استوار بود. او کلید مهار سلطه‌ی شوروی بر جهان را کنترل کشورهای محوری که به واسطه‌ی جغرافیاییشان قادر به اعمال نفوذ اقتصادی یا نظامی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بودند و دارای اهمیت ژئواستراتژیک نظامی تعریف می‌شدند، از سوی ایالات متحده می‌دانست. از دید او رقابت بین موقعیت جغرافیایی دریایی و خشکی (ایالات متحده و شوروی) بازی بی‌پایانی بود که کنترل کشورهای دارای موقعیت محوری بخش ضروری این بازی ژئواستراتژیک ایالات متحده محسوب می‌شد(کوهن، ۱۳۸۷، ص ٦٤). اگرچه رویکردهای ژئوپلیتیکی با نگرش علمی در ابتدا توسط فریدریک راتزل اندیشمند آلمانی و پدر جغرافیای سیاسی نو مطرح شد و اصطلاح ژئوپلیتیک برای اولین بار توسط رودلف کلین جغرافیدان سوئدی به کار گرفته شد، اما کشمکش قدرت‌ها و کشورهای بزرگ با یکدیگر بر سر تصرف سرزمین‌ها، منابع و ... در طول تاریخ ادامه داشته است و بسیاری از این جدال‌ها در قالب ژئوپلیتیکی قابل بررسی است. اندیشه‌ها و الگوهای ژئوپلیتیکی در قرن بیستم هرچندگاهی نیات و هدف‌های قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر را نشان می‌داد، در مواردی هم رفتار بین‌المللی آن‌ها را ماهیت می‌بخشید و به عبارت بهتر، قدرت‌های بزرگ بر پایه‌ی این نسخه‌های ژئوپلیتیکی عمل می‌کردند و منافع خود را در پیگیری هرچه بیشتر این الگوها می‌دانستند.

مهم‌ترین اندیشه‌ی ژئوپلیتیکی که در آغاز سده‌ی بیستم اثر زیادی در روابط بین‌الملل گذاشت و دامنه‌ی جغرافیایی و قلمرو آن بخش بیشتری از جهان را در بر می‌گرفت، نظریه‌ی هارتلند از مکیندر بود که نخستین بار در سال ۱۹۰٤ در مقاله‌ای با عنوان «محور جغرافیایی تاریخ» مطرح شد. اندیشه یکی از مهم‌ترین اندیشه‌هایی است که توانست بیش از چهار دهه دوام بیاورد و مورد بهره‌گیری سیاستمداران و توجه دانشگاهیان واقع شود. (عسکری، ۱۳۸۳، صص ۲۹-۱٦) منطقه خلیج فارس در نظریه‌ی جهانی مکیندر، حاشیه‌ای است، اما اهمیت خاصی دارد؛ چرا که محل تماس و تلاقی خشکی و دریاست و بنابراین می‌تولند محل برخورد نظامی (نیروهای زمینی و دریایی) باشد. از نظر ویل دورلنت نیز سرزمین‌هایی که از نظر موقعیت جغرافیایی در مناطق استوایی واقع هستند، سرزمین کسالت و بی‌حالی و جوانی یا پیری زودرس و مناطق جغرافیایی دارای باران کافی هستند از ضروریات توسعه است. در مورد موقعیت جغرافیایی مناطق ساحلی نیز اگر بریدگی سواحل به اندازه‌ای باشد که کشتی‌های بازرگانی به سهولت بتوانند در آن سواحل لنگر اندازند و در معبر خطوط بزرگ مواصلات جهانی قرار گرفته باشند، در آن صورت ملتی که در آن سکونت دارند، آزادانه ترقی می‌کنند(دورانت، ۱۳۷۸، صص ٤-۳).

۳-۲-۲- رابطه‌ی ژئوپلیتیک و امنیت

عوامل جغرافیایی همواره به عنوان یک عنصر مهم و تأثیرگذار در سیاست کشورها مطرح بوده است و در ادامه‌ی همین توجه و تمرکز بر عنصر جغرافیا، اندیشه‌های ژئوپلیتیک شکل یافته است. عوامل جغرافیایی به همان میزان که در شکل‌گیری سیاست و مقوله سیاستگذاری در مفهوم کلان آن مؤثر هستند، بر امنیت و سیاستگذاری‌های امنیتی نیز تأثیر می‌گذارند. رابطه‌ی امنیت و جغرافیا از دو جنبه قابل بررسی است: جنبه اول به بررسی تأثیر سیاست‌های امنیتی بر جغرافیا می‌پردازد که از آن به عنوان جغرافیای امنیتی یاد می‌شود و جنبه دوم، تأثیر جغرافیا بر امنیت و ساست‌های امنیتی است. تقریباً در تمام نظریات ژئوپلیتیک که مرتبط با موضوع امنیت هستند، به اهمیت ژئوپلیتیکی ایران اشاره شده است. جایگاه ژئوپلیتیکی ایران از چند جنبه اهمیت دارد:

اول آنکه ایران در طول تاریخ تا آن حد مورد توجه بیگانگان بوده است که برای دسترسی و تسلط بر آن همواره از طرف سایر قدرت‌ها و دولت مورد چالش قرار گرفته است.

دوم آنکه جایگاه جغرافیایی ایران از گذشته تا کنون در ابتدای خط اتصال ملت‌ها و جواع شرق و غرب دنیا و نقطه اتصال فرهنگ‌های غرب و شرق زمین بوده است.

سوم آنکه خواستگاه مهم‌ترین عنصر اقتصادی قرن ۲۰ و ۲۱ یعنی انرژی است.

چهارم آنکه ظرف مذاب اقوام و مذاهب است.

پنجم اینکه ایران جایگاه امن همسایه‌ها در بروز درگیری‌هاست.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ششم آنکه ایران از گذشته دور تا به حال در نظام بین‌المللی مهمترین منطقه ژئوپلیتیک در قلمروهای راهبردی جهان است. و درنهایت اینکه به دنبال آرمان سیاسی و تاریخی گذشته آن، کشوری غیرقابل تجزیه در خاورمیانه است. (شوازی، ۱۳۸٦، صص ۸٦-٦۱)

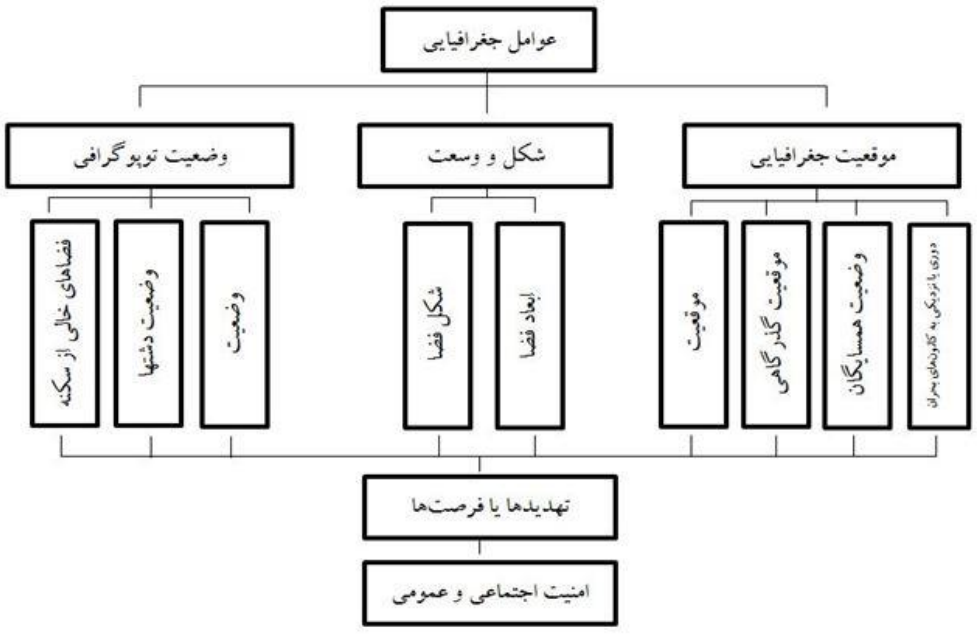
برتری‌های ژئوپلیتیکی کشورها به طور مشخص بر اساس امتیازهای محیطی جغرافیایی تعیین می‌شود و بهره بردن از این امتیازها و برتری‌ها و تلاش برای دستیابی به چیرگی‌های جغرافیایی تازه و ارتقای اهمیت برتری‌های قبلی در محیط بین‌الملل از اهداف مهم کشورها در عرصه بین‌المللی است.موقعیت ژئوپلیتیکی یک کشور به همان اندازه که می‌تواند تولیدکننده فرصت برای آن کشور باشد، می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز ایجاد کند. (احمدپور و دیگران، ۱۳۸۹، صص ۱۸-۱) به طور کلی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت به شرح ذیل است:

- بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، امنیت فضاهای جغرافیایی تابعی از موقعیت مکانی خود هستند. قرارگیری در صحاری بزرگ و خالی از سکنه و یا دشت‌های هموار حاصلخیز و یا در ارتفاعات می‌تواند تبعات امنیتی متفاوتی داشته باشند. از نظر موقعیت نسبی قرارگیری در همسایگی و مجاورت کانون‌های ناامن و بحران‌زا، اثر مستقیمی بر امنیت منطقه موردنظر دارد. لذا موقعیت کشورها و نواحی اکولوژیک – جغرافیایی یکی از مهم‌ترین فاکتورهای مؤثر بر امنیت اجتماعی است و دور و نزدیکی آنها به منابع امنیت‌ساز یا ناامن‌کننده و ضد امنیتی تأثیر مستقیمی بر ساختار امنیت اجتماعی و عمومی منطقه موردنظر دارد.

- وسعت جغرافیا اگر با پراکنش مناسب سکونت‌گاه‌های انسانی و توانمندی‌های دفاعی همراه نباشد، ضریب نفوذ و بحران را افزایش می‌دهد و بر روی امنیت نواحی اکولوژیک تأثیر منفی دارد.

- دوری و نزدیکی به کانون‌های بحران و ناامن تأثیر مستقیمی بر امنیت فضاهای جغرافیایی دارد. به عبارت دیگر، میزان فاصله و مسافت نسبت به منابع بحران‌ساز امنیتی نقش مستقیمی بر امنیت مناطق اکولوژیک و سیاسی دارد.

- وضعیت ناهمواری‌ها و وضعیت ژئومورفولوژیکی می‌تواند نقش منفی و مثبتی بر امنیت محدوده‌های فضایی و قلمروهای سیاسی داشته باشد. این مسأله در جنگ نمود بیشتری دارد. تقریباً تمامی جنگ‌های گذشته از ناهمواری‌ها و اشکال ژئومورفولوژیکی برای فعالیت‌های آفندی و پدافندی و نقاط آمادی استفاده کرده‌اند.(جدول شماره ۱) (ویسی، ۱۳۹۵، صص ۱٦۹-۱۸۵)



جدول (۱) جدول رابطه‌ی جغرافیایی با امنیت اجتماعی و عمومی (ویسی، ۱۳۹۵، صص ۱۸۵-۱۶۹)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۴. یافته‌های پژوهش

٤-١- ژئوپلیتیک خلیج فارس

خلیج فارس یک دریای حاشیه‌ای است که به طور کامل روی فلات قاره قرار دارد و سراشیبی آن هم در دریای عمان است. خلیج فارس با وسعتی حدود ۲۳۲۸۵۰ کیلومترمربع از نظر ریخت‌شناسی نامتقارن و شیب ساحل جنوبی آن آرام‌تر از ساحل شمالی آن (سمت ایران) است. محور طولی خلیج فارس آن را به دو قسمت تقسیم می‌کنند: یکی تک‌شیب پایدار جنوبی که پیش بوم سپر عربستان است و شیب بسیار آرام دارد و دیگری بخش ناپایدار شمالی است که قسمتی از رشته‌کوه‌های چین‌خورده‌ی زاگرس و تغییرات شیب آن ۱۷۵ سانتی‌متر در هر کیلومتر است.

کرانه جنوبی خلیج فارس بویژه در شرق شبه‌جزیره‌ی قطر، منطقه وسیع و کم‌عمقی (۱۰ تا ۲۰ متر) است که به طور عمده با ریخت‌شناسی بست، محیط تبخیری و منطقه جذر و مدی مشخص است. کرانه ایرانی این دریا، از رسوبات سخت و بلند با اشکال خطی ساخته شده و با واسطه یک دشت ساحلی باریک با دریا در ارتباط است. لذا کرانه ایرانی خلیج فارس کرانه‌ای کوهستانی با روند شمال غربی است که پشته‌های تاقدیسی با بلندای بیش از ۱۵۰۰ متر هستند. به همین دلیل ساختارهای کرانه شمالی خلیج فارس، از دیدگاه هندسی، با آنچه که در کرانه جنوبی است، تفاوت دارد.

منطقه‌ای که از زمان‌های گذشته از نظرگاه کشورهای مختلف دنیا والاترین دید و ژئواستراتژیکی را داشته و همچنان دارد، منطقه‌ی خلیج فارس است. تراکم کشورهای نفت‌خیز با اوضاع متشنج و ضعف داخلی، متکی بودن به قدرت‌های خارجی، مجاورت ژئوپلیتیکی با پاکستان و افغانستان و نیز تمایز عمده دریافت و ساختار سیاسی – اقتصادی خلیج فارس، از ویژگی‌های متمایز این منطقه در مقایسه با سایر مناطق حوزه خاورمیانه است. منطقه خلیج فارس با پشت سر گذاشتن یکصد سال از اهمیت یافتن تاریخی آن به علت کشف و صدور نفت، وجود ذخایر گسترده انرژی و همچنین تحولات در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و باالطبع امنیتی در منطقه، در کانون توجه بسیاری از قدرت‌ها بوده است. (پیری سارمانلو، ١٣٩٤، صص ٣١-٣٨)

افزایش اهمیت جایگاه خلیج فارس در استراتژی‌های جدید انرژی ناشی از دو چیز است:

نخست: افزایش مصرف انرژی و در نتیجه‌ی آن افزایش تقاضا برای نفت خام.

دوم: کاهش ذخایر نفتی حوزه‌های دریای شمال و شاید هم آمریکای مرکزی و حوزه‌ی کارائیب.

موقعیت ویژه خلیج فارس از نظر دارا بودن ذخایر غنی نفت و گاز و همچنین موقعیت استراتژیک و اهمیت آن عنوان بازار مطلوب اقتصادی، تغییر و تحولات سیاسی سال‌های اخیر منطقه که متکی بر ایدئولوژی اسلامی است و بسط و حرکت آن در کشورهای منطقه، توجه جهان را به شدت به این منطقه معطوف داشته است. خلیج فارس پس از جنگ جهانی دوم نقش مؤثری را در اقتصاد جهان ایفا کرده است. چرخ صنایع مدرن پس از انقلاب صنعتی از اروپا و ژاپن گرفته تا آمریکا توسط نفت خلیج فارس به گردش درآمده است. نظام اقتصادی غرب با کمک نفت کشورهای این منطقه توانسته به پیشرفت و تکنولوژی امروزه برسد. علاوه بر این، شرکت‌های عظیم نفتی بویژه شرکت‌های آمریکایی با توجه به ضعف کشورهای این منطقه و تسلط بر منابع نفتی آن‌ها سودهای هنگفت و کلانی به دست آورده‌اند. در پی جنگ جهانی دوم و بالا گرفتن خسارات و هزینه‌های جنگ و نیز گسترش سلطه در عرصه‌های جهانی، لزوم توجه به این منطقه در دستور کار سیاستمداران آمریکا قرار گرفت. (پیری سارمانلود، ١٣٩٤، صص ٣٨-٢١) درهم‌گسیختگی ساختار امنیتی در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ در منطقه خلیج فارس به دگرگونی اساسی و مداخله ایالات متحده آمریکا در منطقه انجامید. بنابراین این منطقه محل برخورد راهبردی میان قدرت‌های بزرگ و اختلاف میان نیروهای منطقه‌ای است. حضور ایالات متحده آمریکا و انگلیس در راستای حضور کنونی‌شان در منطقه و سعی در ایجاد وضع مهندسی جدید برای منطقه می‌باشد. این حضور نه تنها در چارچوب امنیتی، بلکه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

برای رخدادها و تغییراتی در جنبه‌های گوناگون مانند تغییرات انسانی، فکری، فرهنگی و سیاسی و ... قابل لمس می‌باشد. بنابراین وجود مستقیم قدرت‌های خارجی در خلیج فارس، رقابت، تنش و درگیری‌های پنهانی و یا آشکار را برای کشورهای منطقه به ارمغان آورده و امنیت خلیج فارس را با چالشی بزرگ مواجه کرده است. (شریفی و دیگران، ۱۳۹۲، صص ۱۰۶-۸۷)

٤-۲- نقش خلیج فارس در امنیت جمهوری اسلامی ایران

خلیج فارس در عمق خاطره جمعی ایرانیان به لحاظ تاریخی قرار دارد و در دوره‌ی معاصر به نحوه شدیدتر، ملموس‌تر و علنی بروز و ظهور و بازتولید شده است تا آنجا که مالکیت بر تمامیت این منطقه، معادل کسب و تثبیت هویت ملی به شمار می‌آید. لذا فارس به نشانه‌ی غرور ملی برای جامعه ایرانی تبدیل شده و در لایه‌های مختلف این جامعه پذیرفته و تعمیم یافته است. به سخن دیگر، خلیج فارس یک بُعد بسیار قوی، غیرقابل انکار، ملموس و نهادینه‌شده هویت ایرانی و منبع باثبات و مشترک در باورهای ایرانیان بوده و نشانه یا مبنایی برای وحدت فرهنگی، همفکری و همدلی ملت ایران به شمار می‌آید، و به لحاظ تجربی شاخص‌های مهم این حس هویتی را می‌توان در ابعاد زیر سنجید:

۱. احساس غرور ملی از برخوردار بودن خلیج فارس
۲. حس مالکیت ملی بر جغرافیای خلیج فارس
۳. پذیرش تعلق تاریخی و پرسابقه خلیج فارس به ایرانیان
۴. تمایل به دفاع و مقابله با تهدیدات بر علیه آن
۵. ایجاد یک حس قوی نوستالوژیک نسبت به فرهنگ، آداب و رسوم، میراث باستانی، موسیقی این منطقه
۶. احساس وابستگی به منابع، ظرفیت‌ها و استعدادهای موجود در خلیج فارس (انرژی – تجارت – صیادی و...) (حاجیانی، ۱۳۹۵، صص ۱۰۷-۹۱).بنابراین آحاد مردم مانند دولت و نظام سیاسی، بر اهمیت راهبردی خلیج فارس برای آینده کشور و تقویت ثبات سیاسی و ا منیت ملی از این طریق آگاه شده‌اند. بنابراین خلیج فارس یک سرمایه و منبع مهم برای قدرت دریایی (به عنوان یک نیروی راهبردی) کشور محسوب می‌شود که باعث تسلط آسان‌تر ایران بر آبراه‌های بین‌المللی می‌گردد.

در حدود سه دهه‌ی اخیر، حاکمیت بر خلیج فارس به شکلی گسسته است؛ چرا که قدرت‌های جهانی با یک قدرت منطقه‌ای برای کنترل آن در حال رقابت هستند؛ با این توضیح که ضلع شمالی خلیج فارس در کنترل قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و ضلع جنوبی آن در کنترل قدرت‌های جهانی است. خلیج فارس همواره در سیاست‌های حکومت‌ها و دولت‌های مرکزی ایران نقش ویژه خود را در طول تاریخ حفظ نموده است. ویژگی‌های خلیج فارس از جمله گسترش امتداد آن در مجاورت سرزمین‌های جنوبی ایران و نقش و موقعیت سیاسی و نظامی آن و از همه مهم‌تر، وضعیت آن در تأمین امنیت کشور پیوسته یک اثر مهم و غیرقابل چشم‌پوشی در سیاستگذاری دولت ایران داشته است. (رضایی، ۱۳۸٤، صص ۱۳۸-۱۲۷)

به طور کلی، ویژگی‌های خلیج فارس به دو گونه تحت عنوان خصیصه‌های انگیزشی و خصیصه‌های ابزاری دسته‌بندی می‌شوند:

الف: خصیصه‌های انگیزشی: این خصیصه‌ها برای قدرت‌های جهانی هدف‌ساز بوده و اصولاً به عنوان انگیزه اصلی حضور قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای در دو قرن اخیر مطرح است که عبارتند از:

۱- موقعیت جغرافیای خلیج فارس ۲- برخوردار بودن از ذخایر عظیم نفتی و گازی ۳- برخوردار بودن از ارزش اقتصادی و تبدیل آن به بازار مصرف صادرات کشورهای صنعتی ٤- برخورداری از ارزش ژئواستراتژیک ۵- خصیصه‌ی فرهنگی خلیج فارس

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ب: خصیصه ابزاری: خصیصه‌هایی هستند که قدرت‌های جهانی به وسیله آنها امکان حضور و دوام در منطقه ودخالت در امور آن را پیدا نموده‌اند که ازجمله این خصیصه‌ها عبارتند از:

۱- ترکیب مذهبی و قومی (اکثریت شیعه) ۲- اختلافات مرزی و ارضی در بین کشورهای این منطقه ۳- خلأ قدرت در ضلع جنوبی خلیج فارس. (رضایی، ۱۳۸٤، صص ۱۳۸-۱۲۷)

٤-۳- بازدارندگی امنیتی در خلیج فارس از نظر ایران

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حفظ مرزهای کشور نثبات سیاسی دو هدف مهم بوده است. از منظر نحوه‌ی نگرش به ساختار نظام بین‌الملل، الگوی دفاع نیز قائل به وجود ساختار همکاری‌جویانه در روابط بین‌الملل است و درعین حال، توسل به جنگ و اعمال قدرت برای دفاع از جان، مال، ناموس، آزادی و استقلال مردم را وظیفه اصلی می‌داند. این مؤلفه در گفتمان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بازدارندگی و دفاع وظیفه‌محور تلقی می‌شود. ایران در تفکر بازدارندگی خود بیشتر بر موقعیت استراتژیک خود در سیستم منطقه‌ای و بین‌المللی و بهره‌گیری از آن در خنثی‌سازی حملات احتمالی از طریق بالا بردن هزینه دشمن و همچنین تحمیل فشارهای سیستمی بر آن تأکید می‌کند. از دیدگاه ایران، مهم‌ترین توانایی‌های مذکور عبارتند از:

۱. موقعیت ژئوپلیتیکی که معمولاً اشتغال کشور را مشکل می‌کند.
۲. سواحل طولانی با خلیج فارس و دریای عمان به عنوان سرزمین اصلی تولید انرژی جهان
۳. موقعیت عبوری تنگه هرمز و کنترل ایران بر آن
۴. موقعیت نظامی برتر در منطقه
۵. ساختار متنوع نیروهای نظامی آن بویژه توان بسیج جمعیت در زمان ضرورت
۶. امکان به‌کارگیری نیروهای شبه‌نظامی در صورت ضرورت
۷. توان شبکه‌سازی ایران در منطقه
۸. توان اختلال در شبکه‌های ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری و ژئواکونومیکی سیستم بین‌الملل (Imam jumazadeh and tuyserkani, 2008: 31)

۵. تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

خلیج فارس در میان مناطقی که در بخش معروف به خاورمیانه، به عنوان مناطق ژئوپلیتیک جداگانه و متمایز از دیگران وجود دارد، مدل منحصربه‌فردی از یک منطقه ژئوپلیتیک را ارائه می‌دهند. این منطقه شامل ملت‌هایی است که از نظر فرهنگی با هم متفاوت هستند، ولی از نظر مشغله‌های سیاسی، استراتژیک و اقتصادی، هماهنگی و تجانس دارند. این منطقه شامل کشورهای ایران، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، امارات متحده عربی و بحرین است. پاکستان نیز به دلیل نزدیکی جغرافیایی و مبادله گسترده بازرگانی علایق زیادی در این منطقه دارد و می‌توان آن را در ادامه‌ی ژئوپلیتیک خلیج فارس محسوب کرد. (عاشوری و دیگران، ۱۳۹۷، صص ۲۱٤-۱۹۱)

همسایگان جنوبی ایران در خلیج فارس که شامل کشورهای عربی هستند با سطح پایین اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، وجود بحران مشروعیت و عدم ثبات سیاسی، پایگاه محکم و متحدی استراتژیک برای آمریکا شده‌اند. علاوه بر این، دشمنی و عدم روابط دوستانه تاریخی با کشورهای عربی و پیشینه روابط نه‌چندان موفق ایران و این دولت‌ها، همواره راه را برای حضور دشمنان ایران در منطقه باز کرده است. در بخش جنوبی ایران، دولت امارات متحده عربی همچنان به تهدید منافع ایران می‌پردازد. لذا این منطقه تا کنون نتوانسته است به یک تعادل استراتژیک که تأمین‌کننده منافع ملی کشورهای این حوزه باشد، دست یابد و این موضوع باعث حضور گسترده قدرت‌های خارجی در خلیج فارس شده است. تنگه هرمز به عنوان گلوگاه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

انرژی جهان و جغرافیای ویژه آن مجموعه شـرایطی را ایجاد می‌کند که برای مقابله با تهدیدات آینده در عرصـه نبرد دریایی می‌توانند فرصـت‌سـاز باشـد. لذا این ارتباط داشـتن، توان دریایی تأثیرگذار با تجهیزات دفاعی و حتی تهاجمی بازدارنده که اقتصـاد و سـیاسـت بین‌الملل را متأثر می‌سـازد به نوعی تضـمین‌کننده اهداف و منافع ملی به حسـاب می‌آید. بنابراین یکی از عناصـر اقتدار ایران قرار گفتن در موقعیت جغرافیایی فعلی در منطقه خلیج فارس اسـت. اهمیت راهبردی خلیج فارس بدون بررسـی تنگه هرمز کامل نخواهد بود؛ زیرا این تنگه به عنوان ورودی خلیج فارس تأثیر ویژه‌ای بر حوادث منطقه دارد و از طرفی کنترل بر خلیج فارس توسط ایران در واقع کنترل نبض اقتصاد بین‌الملل است.

موقعیت ویژه خلیج فارس از نظر دارا بودن ذخایر غنی نفت و گاز و همچنین موقعیت اسـتراتژیک و اهمیت آن به عنوان یک بازار مطلوب اقتصادی، تغییر و تحولات سیاسی سال‌های اخیر منطقه که متکی بر ایدئولوژی اسلامی است و بسط و حرکت آن در کشورهای منطقه توجه جهان را به شدت به این منطقه معطوف داشته است. خلیج فارس پس از جنگ جهانی دوم نقش مؤثری را در اقتصـاد جهان ایفا کرده اسـت. چرخ صـنایع مدرن پس از انقلاب صـنعتی توسـط نفت خلیج فارس به گردش درآمدهاسـت. نظام اقتصـادی غرب با کمک نفت کشـورهای این منطقه توانسـته اسـت به پیشـرفت و تکنولوژی امروزه برسـد. علاوه بر این، شـرکت‌های عظیم نفتی بویژه شـرکت‌های آمریکایی با توجه به ضـعف کشـورهای این منطقه و تسـلط بر منابع نفتی آن‌ها سـودهای هنگفتی را به دسـت آورده‌اند. بنابراین منطقه خلیج فارس محل برخورد راهبردی میان قدرت‌های بزرگ منطقه و اختلاف میان نیروهای منطقه‌ای است.

حضـور ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در راسـتای نه فقط درچارچوب امنیتی، بلکه برای رخدادها و تغییراتی در جنبه‌های گوناگون مانند تغییرات انسـانی، فکری، فرهنگی و سـیاسـی و ... قابل لمس اسـت و قدرت‌های بزرگ از جمله ایالات متحده جهت تسـلط بر منابع فسـیلی و گازی حوزه خلیج فارس به قدرت نظامی متوسـل شـده‌اند. بنابراین الگوی رفتاری جمهوری اسـلامی ایران بر مبنای الگوی مبتنی بر ارتباط و الگوی ایالات متحده آمریکا سـیاسـت مبتنی بر سـیطره و الگوی سـازمان ملل متحد، مبتنی بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

منابع:

پیری سارمانلود، اژدرپیری – ۱۳۹٤ – ژئوپلیتیک خلیج فارس: تهدیدها و فرصت‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه‌ی پژوهش ملل، دوره اول، شماره دوم، صص ۲۸-۲۱.

رنجبر، مقصود – ۱۳۷۸ – ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر – تهران – چاپ اول – ص ۱۷۵.

عزتی، عزت‌الله – ۱۳۹۲ – ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم – انتشارات سمت، تهران – چاپ اول – ص ۷.

حافظ‌نیا، محمدرضا – ۱۳۹۰ – اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک – انتشارات پایلی – مشهد، چاپ اول – ص ۳۷.

رشنو و هاشمی – ۱۳۹۵ – ایران و تحولات ژئواکونومی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول، ص ٦۷.

مولایی، علیرضا – ۱۳۸۲ – نقدی بر خواندنی‌های ژئوپلیتیک – تهران انتشارات دانشکده امام باقر (ع) – چاپ اول – ص ۵۱.

لاگوست، اپو و بنتریس، ژیبلن – ۱۳۷۸ – عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک – ترجمه علی فراستی – نشر آمن – چاپ اول – ص ٤۹.

قوام، عبدالعلی – ۱۳۸٦ – روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها – تهران انتشارات سمت – صص ۹۱-۹۰.

اطاعت، جواد – ۱۳۷٦ – ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران – تهران انتشارات سفیر – چاپ اول – ص ۳۳.

کوهن، سانول برنارد – ۱۳۸۷ – ژئوپلیتیک نظام جهانی – ترجمه عباس کاردان – تهران انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر – ص ٦٤.

دورانت، ویل – ۱۳۷۸ – تاریخ تمدن مشرق زمین گاهواره تمدن – ترجمه احمد آرام و دیگران – تهران انتشارات شرکت انتشارات علمی و فرهنگی – جلد اول – صص ٤-۳.

شوازی، علی‌عباس – ۱۳۸٦ – رابطه جغرافیا و امنیت با تأکید بر نقش و کار ویژه نیروی انتظامی – فصلنامه دانش انتظامی – دوره ۹ – شماره ٤ (مسلسل ۳٦) – صص ۸٤-٦۱.

احمدپور، زهرا و لشگری تفرشی، احسان – ۱۳۸۹ – «چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در بهره‌برداری از منافع خود در خزر» – فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی – سال سوم – شماره ٦ – صص ۱۸-۱.

ویسی، هادی – ۱۳۹۵ – بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی استان کرمان) – فصلنامه تحقیقات جغرافیایی – سال ۳۱ – شماره یکم – شماره پیاپی ۱۲۰ – صص ۱۸۵-۱٦۹.

پیری سارمانلو، اژدر – ۱۳۹٤ – ژئوپلیتیک خلیج فارس: تهدیدها و فرصت‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران – مجله پژوهش ملل – دوره اول – شماره ۲ – صص ۳۸-۳۱.

عسگری، سهراب – ۱۳۸۳ – نقش و جایگاه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در ژئوپلیتیک انرژی – فصلنامه اطلاعات سیاسی – اقتصادی – شماره ۲۰۹ و ۲۱۰ – صص ۲۹-۱٦.

شریفی، شهاب و آجودانی، فرشید – ۱۳۹۲ – الزامات ژئوپلیتیک پیمان دفاعی مشترک کشورهای حوزه خلیج فارس – فصلنامه علوم و فنون نظامی – سال نهم – شماره ۲۳ – صص ۱۰٦-۸۷.

حاجیانی، ابراهیم – ۱۳۹۵ – خلیج فارس و هویت ایرانی – فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس – دوره دوم – شماره ٤ – صص ۱۰۷-۹۱.

رضایی، بهرام – ۱۳۸٤ – تأثیر خلیج فارس بر امنیت ایران – فصلنامه پژوهشی و آموزشی علوم فنون نظامی – سال دوم – شماره ۳ – صص ۱۳۸-۱۲۷.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

عاشوری، غلامرضا و عزتی، عزت‌الله و مرتضایی، شیدا – ۱۳۹۷ – بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی، با تأکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران – فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی – سال دهم – شماره دوم – صص ۲۱٤-۱۹۱.

Blacksell, Mark (2006). Political Beography. London: Routhledge publication, Dikshit, Ramesh Dutta (1982) , Political Goography: A contemporary perspective. New Delhy: tata me Graw – Hill publishing company limited.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]